روزنامه شرق

چهارشنبه ۳ مهر ۱۳۹۸ • ۲۵ محرم ۱۴۴۱ • ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۹

سال هفدهم • شماره ۳۵۳۳ • ۱۶صفحه • ۴۰۰۰ تومان

جهانگیری:

با وجود همه فشارهای اقتصادی در برابر مشکلات خواهیم ایستاد

گروه سیاست: جهانگیری در دیدار با زنان فعال اقتصادی کشور با تأکید بر نقش و جایگاه زنان در عرصه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ورزشی، گفت: برای دستیابی به توسعه و پیشرفت، نیازمند استفاده از ...

صفحه ۲

بازگشایی مجلس با واکنش به هجمه‌ها

لاریجانی: رئیس صداوسیما شخصا به این وضع رسیدگی کند

گروه سیاست: اولین جلسه مجلس بعد از تعطیلات، با واکنش نمایندگان به هجمه‌ها آغاز شد؛ هجمه‌هایی که در چند هفته اخیر از صداوسیما گرفته تا فضای مجازی علیه نمایندگان مطرح شده بود. روز گذشته واکنش‌ها در بهارستان با نطق...

صفحه ۲

سودهایی که به بهانه دورزدن تحریم، به جیب مثلث «ج.س»، «م» و «الف» رفت

جعبه سیاه پتروشیمی گیت آزاد شد

صفحه ۵

بررسی حاشیه‌هایی که در سفر رؤسای جمهور به آمریکا اتفاق می‌افتد

غیرمنتظره‌های نیویورک

- محمدجواد ظریف در گفت‌وگو با کریستین امان‌پور: تحریم «جنگ» است
- معاون سابق تشریفات ریاست‌جمهوری: دعا کنیم در طول سفر آقای روحانی مشکل خاصی پیش نیاید
- مصطفی تاجزاده: گفت‌وگوی تمدن‌ها بازی برد-برد بود

ایران از محورهای سخنرانی رئیس‌جمهور آمریکا در سازمان ملل

ترامپ تکرار ترامپ

عکس: Gettyimages

صفحه‌های ۲، ۳، ۶ و ۱۵

تیترها

رئیس سابق سازمان بازرسی کل کشور:

بازداشت نشده‌ام ۸ شغل دارم

صفحه ۲

کانون وکلا دیگر نمی‌تواند پروانه وکالت بدهد

صفحه ۱۳

لطفا «تاج» را بغل کنید

صفحه ۱۴

مدیرمسئول روزنامه جمهوری اسلامی:

خوداسلام‌پندار خودانقلاب‌پندار و خودحق‌پندارند

صفحه ۶

ترجمه نباید تألیف را تعطیل کند

گفت‌وگو با جواد مجابی

صفحه ۸

ساخت فیلم شمس تبریزی جایز نیست

واکنش به فیلم جدید فتحی

صفحه ۱۰

از زمین خوردن نمی‌ترسم

گفت‌وگو با ویشکا آسایش

صفحه ۱۰

سرمقاله

عادت غرب در استفاده از تحریم

احمد عظیمی‌بلوریان . استاد پیشین مریلند

فشارهای اقتصادی آمریکا بر ایران از آغاز زمامداری ترامپ شدت بیشتری یافته، اما آغاز آن به پیش از ریاست‌جمهوری ترامپ برمی‌گردد و به‌صورت ابزار سیاست خارجی آمریکا نسبت به مدیریت اقتصادی و سیاسی خاورمیانه درآمده است. تا پیش از جنگ دوم جهانی، آمریکا نقش عمده‌ای در خاورمیانه نداشت. قدرت اصلی در دخالت در این منطقه در دست انگلیس و شوروی بود. غرب بر این بود که جلوی نفوذ کمونیسم به خاورمیانه و شرق اروپا را بگیرد. تفاهم میان انگلیس و شوروی در مورد ایران این بود که استان‌های شمالی ایران به‌عنوان حیاط خلوت شوروی به شمار بیایند و همه استان‌های دیگر عمدتا در کنترل انگلیس باشند. با قدرتمندشدن تدریجی آمریکا پس از جنگ جهانی دوم، بخشی از امکانات انگلیس در خاورمیانه به چنگ آمریکا افتاد. حرکت ملی‌شدن صنعت نفت ایران به این نقل‌وانتقال کمک کرد. در اوایل دهه ۱۳۳۰ و با اوج‌گرفتن حرکت ملی‌شدن نفت ایران به‌ویژه در دولت دکتر مصدق، جابه‌جایی در حوزه نفوذ این دو قدرت غربی در خاورمیانه سرعت گرفت. از دید اقتصادی، دکتر مصدق با کمک متخصصان بین‌المللی مانند دکتر شاخت آلمانی چاره موقت در محاصره اقتصادی را در انتشار اوراق قرضه دانست، اما از دید بلندمدت به تبعات محاصره اقتصادی توجه نشد. کودتای ۲۸ مرداد در اوایل دهه ۳۰ عملا پای آمریکاییان را به ایران بازتر کرد و این حرکت تا سقوط حکومت پهلوی روزبه‌روز شدت گرفت، به‌طوری‌که در سال‌های آخر پیش از انقلاب اسلامی حدود ۵۰ هزار مستشار نظامی آمریکایی در ایران حضور فعال داشتند.

ادامه در صفحه ۴

حرف اول

بایدها و نبایدهای خط اعتباری ۱۵میلیارددلاری

علیرضا سلطانی
کارشناس اقتصاد انرژی

ایران و اروپا اخیرا به توافقی نیم‌بند و ابتدایی رسیده‌اند که نهایی‌شدن آن در گرو رضایت دولت ایالات متحده و ایجاد سازوکارهای اجرائی لازم در قالب اینستکس است. از این منظر که پس از ۱۵ ماه مذاکره و رایزنی و در عین حال فشار، اتحادیه اروپایی حاضر به اقدامی اجرائی برای حفظ برجام و مقابله با سیاست‌های تحریمی آمریکا علیه ایران شده است و باوجود محدودیت‌های واقعی اقتصادی و تجاری حاضر به ایجاد و تخصیص اعتباری ۱۵ میلیارد یورویی به ایران شده، این اقدام قابل دفاع است. اما واقع‌بینانه باید گفت که این اقدام، درمانی برای دردها و چالش‌های بزرگ اقتصادی ایران که از زمان خروج آمریکا از برجام تشدید شده است، نخواهد بود. تنها کارکرد این اقدام در کوتاه‌مدت، تأثیر روانی مثبت بر برخی بازارها، به‌ویژه بازار ارز است.اما ایجاد خط اعتباری ۱۵ میلیارد دلاری، دربردارنده اثرات مثبت برای اقتصاد ایران نخواهد بود: منظر نخست، بدهکاری کشور به خارج و آسیب‌پذیری آن در آینده خواهد بود. بر اساس طرح فرانسه، ایران اعتباری ۱۵ میلیارد دلاری دریافت خواهد کرد که پس از پایان تحریم‌ها از طریق فروش نفت اقدام به بازپرداخت آن خواهد کرد. واقعیت این است که چرخ‌های اقتصاد کشور بر پایه تولید و صادرات نفت می‌چرخد. تحریم نفتی ایران در ۱۵ ماه گذشته، شرایط سختی را برای صنعت نفت کشور رقم زده است. حیات و پویایی صنعت نفت ایران، وابسته به تولید و صادرات نفت است. موفقیت و پیروزی در جنگ اقتصادی با آمریکا که صنعت نفت در خط مقدم آن قرار دارد نیز در گرو تولید و صادرات است. بدون تولید و صادرات نفت چه رسمی و چه غیررسمی، سخن‌گفتن از پیروزی در جنگ اقتصادی، صرفا شعار است. دولت زمانی می‌تواند پرچم افتخار پیروزی در این جنگ را بالا ببرد که توانسته باشد از راه دیپلماسی و مذاکره، بن‌بست موجود در فروش نفت از کانال‌های رسمی و عادی را بشکند و به تحریم‌های نفتی ایران پایان دهد یا حداقل از میزان آن بکاهد. از سوی دیگر، درصورتی‌که این طرح اجرا شود، ایران مجبور است با پایان تحریم‌های نفتی، بخش قابل توجهی از نفت تولیدی خود را برای مدتی طولانی بابت بازپرداخت اعتبار تعیین‌شده بپردازد و عملا عایدی مناسب و لازمی در این زمینه نداشته باشد. توقف سرمایه‌گذاری‌های اخیر در صنعت نفت به دلیل تحریم‌های تحمیلی نیز این امکان را برای صنعت نفت ایجاد نمی‌کند که پس از رفع تحریم‌ها، فراتر از ظرفیتی بیش از چهار میلیون بشکه نفت تولید و صادرات کند. قانع‌کردن اوپک و سایر تولیدکنندگان برای تولید و عرضه بیش‌ازحد هم با توجه به چشم‌انداز قیمت نفت و ضرورت‌های کاهش تولید و سهمیه‌بندی، کاری بس دشوار خواهد بود. از این منظر، به‌صورت واقع‌بینانه باید نگرانی و نقد متولیان صنعت نفت کشور را درک کرد و به دغدغه‌های آنها احترام گذاشت. منظر دوم که بی‌ارتباط به منظر اول نیست، نحوه هزینه‌کرد اعتبار احتمالی است که آن هم برای کارشناسان و فعالان اقتصادی جای نگرانی دارد. طبق فرضیات مطرح‌شده، قرار است ایران از قبل این اعتبار، کالاها و برخی خدمات مصرفی مانند غذا، دارو، نهاده‌های دامی و شاید برخی اقلامی را که بیش از آنکه مورد نیاز کنونی کشور باشد، مطلوب صادرکنندگان شرکت‌های اروپایی و غیراروپایی است، آن هم از مبادی و کانال‌های غیرمستقیم، وارد کند؛ شرکت‌هایی که با کمترین تشر آمریکا، حتی قبل از خروج از برجام، مناسبات خود با ایران را قطع کردند. سؤالی که در این رابطه قابل طرح است، این است که سهم و نقش این اعتبار در رونق تولید داخلی و فعال‌کردن بخش‌های واقعی اقتصاد کشور چیست؟ علاوه بر این، آیا افرادی که به این حد اقل رضایت داده‌اند، اثر اعتبار تخصیصی را در افزایش ریسک سرمایه‌گذاری در ایران به لحاظ افزایش بدهکاری کشور در آینده در نظر گرفته‌اند؟ توافق ایران و اروپا یک بعد مهم و حیاتی را باید دربرگیرد و آن امکان فروش نفت ایران به خارج است. هر سازوکار و توافقی که نتواند حداقلی از این بعد را شامل شود، نه تنها مفید به حال اقتصاد کشور در شرایط کنونی نخواهد بود، بلکه مخاطرات اقتصادی آینده کشور را افزایش می‌دهد. آنچه مهم است فعال‌شدن صنعت نفت در تولید و صادرات نفت از کانال‌های رسمی است. اگر این امکان در شکل حداقلی آن هم اتفاق افتد یعنی اینکه ایران برای مدت مشخصی و در حد معینی مانند یک میلیون بشکه در روز و حتی کمتر از آن، امکان صادرات نفت بدون فشارهای دولت آمریکا را داشته باشد، بسیار مفیدتر و مؤثر به حال صنعت نفت و اقتصاد کشور است. طرح مذکور موقعیت و جایگاه صنعت نفت در جنگ اقتصادی با آمریکا را نه تنها تقویت نمی‌کند بلکه آن را تضعیف نیز می‌کند.

ادامه در صفحه ۲

بازتاب

باور به توان نظامی ایران

حمزه پاریاب . نویسنده حوزه نظامی

یادداشت روز دوشنبه جناب آقای دکتر زیباکلام درباره دلیل لحن ترامپ در موضوع ایران، اگرچه با حسن نیت تلاش دارد ضمن تحلیل وضعیت موجود در منطقه، تحلیلی را درباره جلوگیری از وقوع هرگونه تنش نظامی میان ایران و آمریکا ارائه دهد؛ اما به نظر می‌رسد در بطن کلمات و عبارات، رگه‌هایی از یک معادله را ترسیم می‌کند؛ به‌ویژه آنجا که با اشاره به سوانحی که در چند ماه گذشته در منطقه اتفاق افتاده‌اند، دلیل عدم واکنش نظامی به این موضوع را مماشات ترامپ توصیف کرده‌اند. چنین تعبیری نشان‌دهنده واقعیت موجود در عرصه هماوردی مستقیم و توان مقابله دو کشور نیست. به‌ویژه آنکه در بخش‌های مهم یادداشت یادشده، موضوعات و تصمیمات از نگاه و جایگاه رئیس‌جمهور آمریکا تفسیر و تحلیل شده است.طبیعتا می‌توان در این بخش با بسیاری از تحلیلگران علاقه‌مند به مذاکره با آمریکا در شرایط و رویکرد فعلی موافق بود که گزینه نظامی هزینه‌های فراوانی هم از نظر اقتصادی و هم از نظر سیاسی برای آمریکا خواهد داشت؛ اما نمی‌توان در این بخش با آنها به‌ویژه دکتر زیباکلام هم‌عقیده شد که ترامپ، آرام از کنار برخورد و درگیری نظامی گذشته است؛ چراکه تلاش ماه‌ها و سال‌های اخیر رئیس‌جمهور آمریکا نشان می‌دهد او به‌شدت در تلاش است به افکار عمومی داخلی و دیگران ثابت کند بیشترین تلاش را برای ارتقا و بالابردن پرستیژ و جایگاه نظامی، سیاسی و اقتصادی آمریکا انجام داده است.بنابراین چنین تلاشی، هنگامی که با برخورد محکم و قاطعانه کشورمان با تجاوز گران‌ترین پهپاد آمریکایی همراه می‌شود و بخش زیادی از این راهبرد تبلیغاتی و حیثیتی ترامپ مورد تعرض و خدشه قرار می‌گیرد، قابل جمع‌بستن با این تحلیل نیست که او «آرام» از کنار برخورد و درگیری نظامی گذشته است.شاید نمای بیرونی و قابل مشاهده تحرکات نظامی آمریکا پس از انهدام گلوبال هاوک، آرام‌بودن واکنش آنها را تداعی کند؛ اما کارشناسان نظامی و تحلیلگران سیاسی پیگیر این موضوع، به‌خوبی متوجه شدند که دست‌کم، توان نظامی موجود در اطراف کشورمان یارای واردکردن پاسخ قاطعانه و ضربتی به سپاه و مهم‌تر از آن، هضم جواب متقابل نیروهای مسلح ایران به این تعدی نبود.
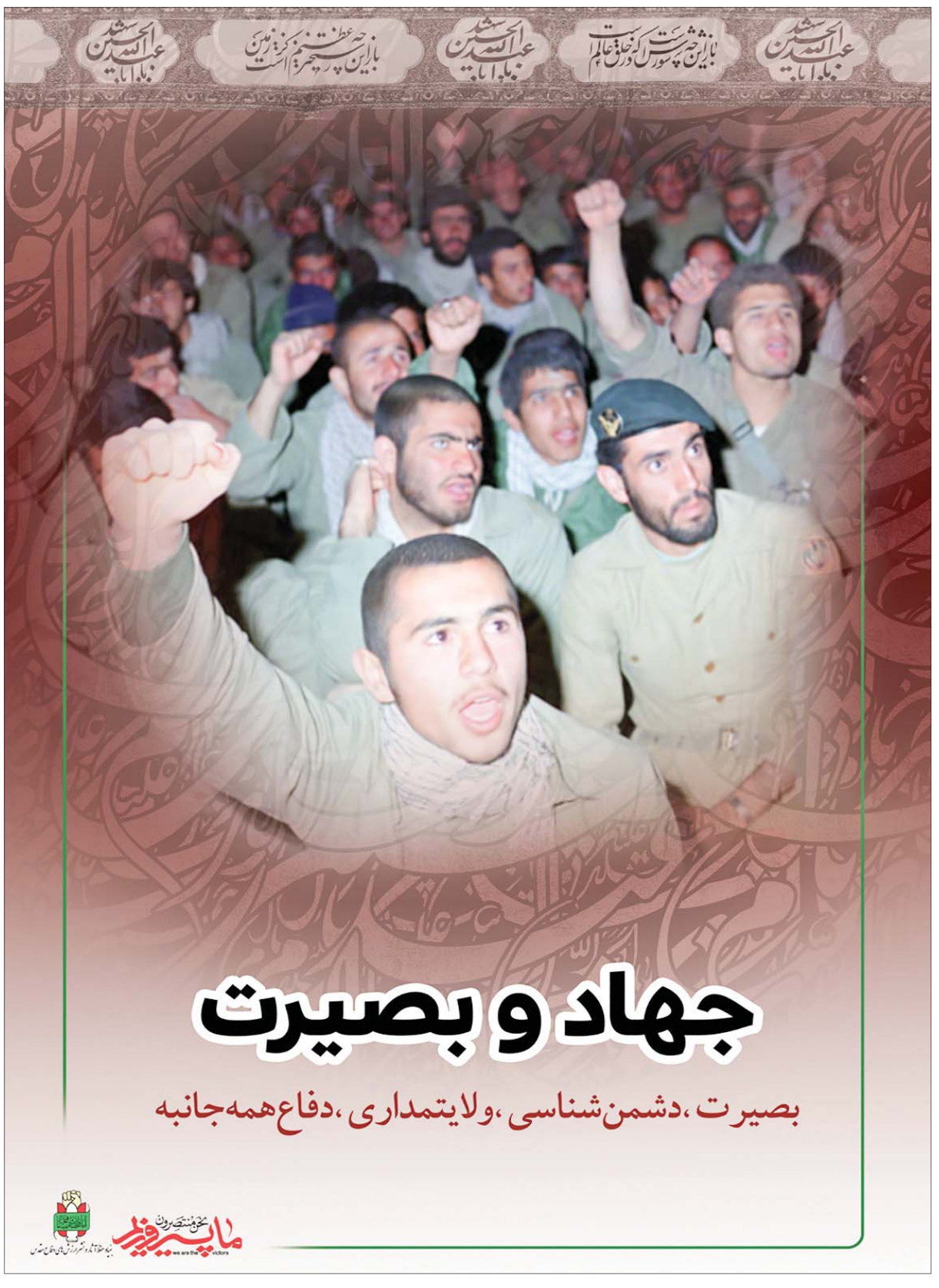
ادامه در صفحه ۲